

إضاعات من محاجبة نوح ع مع قومه روشنگری هایی از استدلال های نوح ع با قومش

﴿أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا...﴾ (نوح: 15). نوح ع

كجميع الأنبياء، أرسلوا لإصلاح الفساد العقائدي والتشريعي والأخلاقي والاجتماعي والسياسي والاقتصادي، وحججهم بسيطة خالية من التعقيد، لا تحتاج إلى النظر الكثير والتحقيق الخطير ليتضح أنها الحق المبين، ولكنها عندما تلقى على قوم لوثوا فطرة الله وصبغوا أنفسهم بغير صبغة الله، تصبح في غاية التعقيد والإبهام لأنها ألقيت على قوم لهم قلوب لا يفقهون بها ولهم آذان لا يسمعون بها.

«(آیا نمی بینید چگونه خدا هفت آسمان طبقه طبقه را بیافرید؟...).» نوح ع

مانند همه پیامبران، برای اصلاح فساد عقیدتی، تشریعی، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی فرستاده شد. احتجاجات و استدلال های آنها ساده و خالی از هر نوع پیچیدگی است و برای اینکه روشن شود حق آشکار می باشند، به دقت نظر بسیار و تحقیق زیاد نیاز ندارند. ولی وقتی این مسایل برای مردمانی که فطرت خداوندیشان را آلوده کرده و رنگی غیر از رنگ خدایی به خود گرفته اند، مطرح می شود، در نهایت پیچیدگی و ابهام نمود می کند؛ چرا که برای مردمی که دل هایی دارند که با آن نمی فهمند و گوش هایی دارند که با آن نمی شنوند، مطرح شده است.

واعتراضات القوم:

۱- أنت بشر مثلنا ﴿فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا نَرَاكَ إِلَّا بَشَرًا

مَثَلَنَا﴾.

۲- اتبعك البسطاء ضعيفو الرأي ﴿وَمَا نَرَاكَ اتَّبَعَكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَادُوا

بَادِيَ الرَّأْيِ﴾.

۳- نظنك كاذباً أنت ومن معك ﴿وَمَا نَرَى لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ بَلْ نَظُنُّكُمْ

كَاذِبِينَ﴾ (هود: 27).

اعتراض های این قوم:

- ۱- تو انسانی همانند ما هستی: «(مہتران قومش که کافر بودند گفتند: ما تو را جز انسانی همانند خویش نمی بینیم)».
- ۲- افراد ساده‌ای که دارای رأی و نظر ضعیف هستند، تو را پیروی می‌کنند: «(و نمی بینیم که جز اراذل قوم و افراد ضعیف‌الرأی از تو متابعت کنند)».
- ۳- گمان می‌کنیم تو و همراهانت، دروغ‌گو هستید: «(و نمی بینیم که شما را بر ما فضیلتی باشد، بلکه پنداریم که دروغ می‌گویید)».

وجميع هذه الاعتراضات بعيدة عن محور الرسالة والقضية المطروحة للمناقشة، فهذه مغالطات وسفسطة، بل هي اعتراضات واهية يقنعون بها أنفسهم المتكبرة، ويستخف بها العلماء المستضعفين في الأمور الدينية، وأتباعهم ومقلديهم، الذين يغلب عليهم الجهل والعمى، ﴿قال الملائمة من قومه﴾ الملائمة أصحاب السلطة الدينية والدنيوية، ﴿إنا لنراك في ضلالٍ مُبين﴾ (الأعراف: 60)، ليس فقط ضلال، بل مبين واضح جلي بالنسبة لهم !!

همه‌ی این اعتراض‌ها از محور رسالت و آنچه که برای بحث و مناقشه مطرح شده است، به دور می‌باشند؛ همگی جز مغالطه و سفسطه نمی‌باشند و حتی اعتراض‌های موهومی هستند که با آنها، نفس‌های متکبرشان را قانع می‌کنند و علما به واسطه‌ی آنها، افراد ضعیف در مسایل دینی و پیروان و مقلدین خود را خوار و سبک می‌شمرند؛ پیروانی که نادانی و نابینایی بر آنان غلبه پیدا کرده است. «(مہتران قومش گفتند)»؛ منظور از «مہتران و بزرگان» صاحبان برتری دینی و دنیوی می‌باشد. «(ما تو را در گمراهی آشکاری می‌بینیم)» نه فقط در گمراهی، بلکه برای آنان روشن و واضح و آشکار نیز می‌باشد!!

لأن نوحاً جاء ليدعو الناس إلى عبادة الله والمساواة والعدالة والرحمة والتقوى، وهذه الأمور تعترض مسيرتهم الشيطانية في استخفاف الناس، وقيادتهم الدينية والدنيوية، وما تجلبه لهم هذه الرئاسات الباطلة من ترف وجاه و قدسية مزيفة.

چرا که نوح آمده است تا مردم را به پرستش خداوند، برابری، عدالت، مهربانی و تقوا دعوت نماید، و این موارد در مسیر شیطانی آنان برای سبک شمردن مردم، رهبری دینی و دنیوی، ریاست‌های باطل، جاه و مقام و مقدس بودن ساختگی و قلبی‌شان، در تعارض می‌باشد.

ولهذا فلا داعي للنظر في ادعاء نوح ع، بل يكفي أن يقول الملاً
(القيادة وخصوصاً الدينية): إن نوحاً في ضلال مبين جلي، ليقول جميع
الناس الذين أنسوا التقليد والإتباع الأعمى: إن نوحاً في ضلال مبين،
﴿وَأَعْرَفْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا عَمِينَ﴾ (الأعراف: 64).

به همین دلیل هیچ ادعا کننده‌ای که بتواند در آنچه نوح ع ادعا می‌کند، نظر
ببفکند، وجود ندارد؛ بلکه همینکه بزرگان رهبران و مخصوصاً رهبران دینی-
بگویند: «نوح در گمراهی روشن و آشکاری است»، کفایت می‌کند، تا توده‌ی
مردمی که با تقلید و پیروی کورکورانه اُنس گرفته‌اند، بگویند: نوح در گمراهی
آشکاری است. «(و آنان را که آیات ما را دروغ می‌انگاشتند غرقه ساختیم، که
مردمی کوردل بودند)».